

بازگشت از شوروی

به نهمین تنقیح بازگشت از شوروی

نویسنده:

آندره ژید

مترجم:

جلال آل احمد

Gide, Andre Paul Guillaume

سرشناسه: ژید، آندره پل گیوم، ۱۸۶۹ - ۱۹۵۱ م.
عنوان و نام پدیدآور: بازگشت از شوروی به ضمیمه‌ی تنقیح بازگشت از شوروی / نویسنده: آندره ژید؛ مترجم: جلال آل احمد
مشخصات نشر: ساری: آوای ما، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-622-99961-3-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Retour de l'U.R.S.S., 1936.

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.

Traveler's writings موضوع:

موضوع: سفرنامه‌ها

Communism -- Soviet Union موضوع:

موضوع: کمونیسم — روسیه شوروی

Soviet Union -- Description and travel موضوع:

موضوع: روسیه شوروی — سیر و سیاحت

Al Ahmad, Jalal شناسه افزوده:

شناسه افزوده: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ م. مترجم

رده بندی کنگره: ۹۲۰/۹ DKrV

رده بندی دهکده: ۴۹۱

شماره کتابشناسی: ۴۴۷۸۰۰۰۰

نام کتاب: بازگشت از شوروی

نویسنده: آندره ژید

نویسنده: جلال آل احمد

ناشر: آوای ما

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: احسان

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۶۱-۳-۳

فهرست مطالب

۶	درباره‌ی «ژید» و ترجمه‌ی حاضر
۱۷	پیش‌درآمد
۲۳	۱
۳۶	۲
۴۹	۳
۶۷	۴
۷۶	۵
۸۷	۶
۸۹	ضمائم
۱۸۵	ضمائم
۱۹۸	از یک سفرنامه
۲۱۳	در بازگشت به پاریس
۲۱۴	نامه‌ها و شواهد

پیش درآمد

اکنون سه سال است که من افتخار آمیخته به تعجب و علاقه‌ام را نسبت به شوروی اعلام کرده‌ام و در آنجا دست به تجربه‌ی بی‌سابقه‌ای زده شده است که قلوب ما را اکده از امید می‌سازد و ما را این جهت منتظر پیشرفت‌های عظیمی می‌کند. ستار جهشی می‌کند که قادر باشد بشریت را به‌طور کلی به دنبال خویش بکشد.

برای حضور درین بهار آینده، سداً به زحمتش می‌ارزد که آدمی زنده بماند. و به نظر من حتی این ارزش را دارد که انسان جان خویش را در راه کمک به آن بذل کند. در قلوب و افکار ما، ما، جداً آینده‌ی فرهنگ را نیز به سرنوشت شوروی وابسته می‌دانیم. و این مطلب را هزاران بار تکرار نیز کرده‌ایم. و چقدر ارزو می‌کنیم که باز هم بتوانیم به این مطلب تشره کنیم.

در آن هنگام تا پیش از آنکه به دیدار آنجا برویم تصمیم تازه‌ای که به نظر می‌آمد موجب تغییراتی در دید ما بشود، به وقوع پیوست. بهیچ‌نمی‌گذاشت ما مضطرب بشویم. در آن هنگام (اکتبر ۱۹۳۵) من این چنین می‌نوشتیم: «حماقت و عدم نجابتی که از حملات به شوروی می‌بارد ما را وادار می‌سازد که امروز با سرسختی از شوروی به دفاع برخیزیم. آنان ناسزاگوها- درست‌در همان مواردی که ما دست از تأیید شوروی برمی‌داریم به تأیید آن برمی‌خیزند. چون آن چیزهایی را که آنان در شوروی مورد تأیید

قرار می‌دهند عبارتند از بدنامی‌ها و سازشکاریهای شوروی. و تا به دیگران می‌رسند دهان می‌گشایند که «حالا دیدید!» ولی درهمین مواردست که شوروی از هدف‌هایی که در آغاز امر دنبال می‌کرد انحراف جسته است. نگاه‌ها درحالی که به همان هدف اولیه دوخته شده است حتی به علت انحرافات و کج رویها نماند از شوروی برگرفته شود.»

مجله ان. ار. اف. مارس ۱۹۳۶

گذشت از این - حتی پس از وصول اطلاعات بسیار صریح درباره ی شوروی من درحالی که اءاماد و خوشبینی از خود نشان می‌دادم و ترجیح می‌دادم که قضاوت‌های شخصی خویش را نیز به تردید بپذیرم، چهارروز پس از ورود به مسکو، درنطقی که به مناسبت تشییع جنازه ی «ماکسیم گورکی» درمیدان - سرخ ایراد کردم چنین تکرار کردم: «سرنوشت فرهنگ درافکار ما به سرنوشت اتحاد جماهیر شوروی وابسته است و بدین جهت ما از آن دفاع خواهیم کرد.» من همیشه اعتراف کرده‌ام که میل به یکدسته ماندن و درافکار و عقاید خویش پابرجا بودن در غالب اوقات خطر دور ماندن از صمیمیت و صداقت را به - همراه خواهد داشت. و به نظر من اگر قرار باشد انسان - رعقاید خود صمیمی باشد چه بهتر که در موقعی این صداقت و صمیمیت را انسان - ها که ایمان عده ی زیادی از دیگران نیز وابسته به عقاید انسان باشد.

اگر من در آغاز امر در اشتباه بوده‌ام بهترینست که هر چه زودتر به خطای خود پی ببرم. چون به خصوص درین مورد مسئول نتایجی هستم که این اشتباه به بار خواهد آورد. درین مورد خودخواهی من مورد بحث نیست. گذشته ازینکه من بسیار کم خودخواه بوده‌ام. در نظر من چه بسا مسایلی

هست که بسیار از شخص خودم اهمیت بیشتری دارد. مسایلی که حتی از اتحاد جماهیر شوروی نیز اهمیت بیشتری دارد. و آن انسانیت و فرهنگ بشری است.

ولی آیا واقعا من در آغاز اشتباه می کرده‌ام؟
کسانی که تحولات اتحاد جماهیر شوروی را اقل از یکسال پیش تاکنون با
علاقه دنبال کرده‌اند خواهند گفت که آیا این من بوده‌ام که تغییر کرده‌ام و یا
اتحاد جماهیر شوروی؟ والبته غرض من از اتحاد جماهیر شوروی حکومتی
است که آن را اداره می‌کند؛ و دیگران که بیش از من صلاحیت دارند باید
بگویند که این تغییر ظاهر امر آیا واقعاً یک تغییر ظاهری است یا نه و اگر آنچه
در نظر ما به عنوان غرض این و یا سرپیچی تلقی می‌شود آیا در حقیقت نتایج
جبری و حتمی برخی علل، نتیجه نیست؟

اتحاد جماهیر شوروی در حال استعفاء است، لازم است که این مطلب را
دایما تکرار کرد. و این جاست که مسائل عادی استثنایی آدم به مسافرت
بر روی این سرزمین وسیع و باردار انگیزه می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که
با سفری به آن دیار انسان در مراسم وضع حمل آینده شرکت می‌کند.

در شوروی هم خوب هست و هم بد. می‌باید می‌گفتم هم عالی هست و هم
سیار بد. آنچه عالی است اغلب اوقات به قیمت کوشش‌های عظیم به دست
آمده. اما کوشش نیز همیشه و در همه جا آنچه را که انتظار می‌رفت به دست
حاصل کند به دست نیاورده. گاهی آدم فکر می‌کند که هنوز به گاهی
نیز آنچه بسیار بد است درین مورد به همراه آنچه بسیار عالی است می‌آید و آدم
به خودش می‌گوید ناچار این نتیجه آنست. در آنجا باید به شدت ناراحت-
کننده ای از درخشان ترین مسایل گذشت و به سراغ تیره‌ترین آنها رفت. غالباً

چنین اتفاق می‌افتد که مسافر برحسب دلایل قبلی که در دست دارد تنها نسبت به آن دسته از مسایل و یا نسبت به این دسته‌ی دیگر علاقه به خرج می‌دهد.

بسیار اتفاق افتاده است که هواداران اتحاد جماهیر شوروی در سفرهای خود، آنجا از بازدید چیزهای بد سرباز می‌زنند. یا اقلاً از علم به آن‌ها خودداری می‌کنند. و کار به جایی رسیده است که غالب اوقات حقایق امور اتحاد جماهیر شوروی با کینه و دروغهای درباره‌ی آن با عشقی بر زبان آورده می‌شود.

ازین جهت نکرمین بر چنین اساسی قرارداد داشت که جدی‌ترین توجه خود را نسبت به مسایلی به خرج بدهم که می‌خواهم همیشه مورد تأییدشان قرار بدهم. عشق خویش را با حمنوش محدود کردن یعنی درک نکردن صحیح آن عشق. و من گمان می‌کنم اگر در برابر تصنع و مجادله‌ای درباره‌ی شوروی حرف بزنم نه تنها خدمتی نسبت به آن انجام داده‌ام بلکه حتی نسبت به هدفی که اتحاد شوروی از آن دم می‌زند نیز خدمت کرده‌ام.

من درست به علت احترامی که برای اتحاد جماهیر شوروی قایلم و درست به علت برتری‌هایی که شوروی تاکنون توانسته و نیز به این علت که ما هنوز هم انتظارات بیشتری از شوروی داریم و به خصوص به علت آنچه که امیدواری نسبت به آنرا شوروی به ما داده است. است به دست بیاورد به خودم حق می‌دهم که زبان به انتقاد از آن بگشایم.

و نیز به این علت که ما هنوز هم انتظارات بیشتری از شوروی داریم و به خصوص به علت آنچه که امیدواری نسبت به آنرا شوروی به ما داده است. چه کسی می‌تواند بگوید که اتحاد جماهیر شوروی در نظر ما چه منزلتی

داشته است؟ صرف نظر از حزب انتخاباتی، اتحاد شوروی در نظر ما نمونه‌ای بوده است. راهنمایی بوده. آنچه در خوابها مان می‌دیده‌ایم و به سختی جرأت می‌کرده‌ایم در انتظارش باشیم - آنچه که اراده‌ی ما و نیروی ما متوجه آن بوده است - اینها همه در اتحاد جماهیر شوروی بود که به وقوع پیوست. به این - طریق اتحاد جماهیر شوروی در نظر ما سرزمینی بود که مدینه فاضله قدما در آن نه کم داشت صورت واقع به خود می‌گرفت. تحقق یافتن مسایل عظیم در آنجا قارب ما را آکنده از نیاز می‌ساخت. به نظرمی‌رسید که سخت‌ترین و دشوارترین مسایل در آنجا حل شده است و ما شادمانه درین ماجرا به‌سرمی - بردیم که به نام تمام ملل رنجیده و دردمند با اتحاد جماهیر شوروی وابستگی‌هایی باید داشته باشیم.

اما در ورشکستگی تاریکی که می‌توانیم همینگونه خود را مقید و وابسته احساس کنیم؟ و این تنها فاکتور وابستگی است که از دسترس به دور است. اگر برخی نویدهای غیررسمی - حاصل عمل به خود نپوشیده است که را باید مقصردانست و متهم شناخت؟

آیا خط مشی‌های اولیه را باید مسئول این رفتار دانست؟ یا مهم‌تر از آن خود انحراف‌ها را - هتاک‌ها را - و قرار و مدارهای توجیه سدها را که می‌گذارند؟ من اکنون تفکرات شخصی خویش را درباره‌ی آنچه که اتحاد جماهیر شوروی را خوش آیند است و از نشان دادن آنها غرور می‌کنم به او دست می‌دهد، و به موازات این مسایل، تفکرات خودم را درباره‌ی آنچه که شخصاً توانسته‌ام ببینم می‌نگارم. آنچه در اتحاد جماهیر شوروی تحقق یافته در اغلب موارد احترام‌انگیز است. هم‌اکنون در نواحی مختلف مملکت ظواهر خندان سعادت به چشم می‌خورد. وقتی در «کنگو» به سرمی‌بردم

و برای جستجوی حقایق امور از اتوموبیل حکام و فرمانداران جدا می‌شدم و با همه- با هر کسی که دردسترس بود، باب مرافقه را بازمی‌کردم، کسانی که در آن هنگام مرا درین طرز جستجوی حقیقت تأیید می‌کردند آیا ازینکه وقتی به شوروی رفته‌ام نیز چنین دلهره‌ای را داشته‌ام سرزنش خواهند کرد؟ و آیا ازینکه نگذاشته‌ام در طول این سفر چشم‌هایم از ظواهر امور خیره شود مرا به باد ملامت خواهند گرفت؟

من مرگزد سدد پنهان داشتن استفاده‌ای نیستم که دسته‌های مخالف- آنهایی که «باید» شق به قدرت با علاقه به فرمانروایان مستبد آمیخته است»^۱- انتظار دید از کتاب من بکنند. و همین مطلب بوده است که مرا که از منتشر ساختن آن بارها داشته و حتی از نوشتن آن نیز جلو می‌گرفته. و به‌خصوص اگر یقین قطعی وجود می‌داشتم از طرفی سرانجام اتحاد جماهیر شوروی به جبران اشتباهات اساسی خویش که درین کتاب به آنها اشاراتی رفته موفق خواهد شد، و از طرف دیگر- (این مسأله است که اهمیت بیشتری دارد)- اگر یقین می‌داشتم که اشتباهات به‌خصوص یک مملکت نمی‌تواند برای تخطئه‌ی حقیقت یک هدف بزرگ بین‌المللی و جهانی کافی باشد. به چنین کاری دست نمی‌زدم. دروغ- که درینجا به بکوت تعبیر می‌شود- شاید به‌نظر مرجع برسد و ازین مرجع تر ادامه‌ی این سخن است. ولی چنین رفتاری مسلماً سخت به سود دشمن خواهد بود. و حق گرچه دردناک است جز برای معالجه‌ی بیمار زخم نمی‌زند.

۱-زمقدمه‌ی کتاب «درباره‌ی دموکراسی آمریکا اثر «توک ویل».